

معرفی رساله معماریه

■ رساله معماریه / متنی از سده یازدهم هجری

■ نوشته: جعفر افندی

■ مترجم انگلیسی: هاوارد کرین

■ مترجم فارسی: مهرداد قیومی بیدهندی

■ انتشارات شرکت توسعه فضاهای فرهنگی، ۱۳۷۷

■ ۲۵۹ صفحه، ۱۶۰۰۰ ریال

● محمود ارژمند

شرح حالها - و بعضاً مبتنی بر اسناد موجود در آرشیوهای دیوانی عثمانی - مثل آرشیو بشبکنک، آرشیو کاخ توپکاپی - است. منابع آرشیوی از حد فرمانهای سلطنتی و دیوانی تا اقسام گزارش نامه‌ها، وقفنامه‌ها و اسناد قضایی محاکم شرعی را شامل می‌شود.

شاید مشهورترین مراجعی که به معمار خاصی می‌پردازند تذکره‌الابنیه نقاش ساعی مصطفی چلبی و سایر تذکره‌هایی باشد که شرح حال معمار قرن شانزدهم میلادی عثمانی به نام سنان را بازگو می‌کنند.

محققان با استفاده از این مطالب کار پژوهش در زندگی و تشخیص کارهای معماران برجسته عثمانی را آغاز کرده‌اند. یکی از نخستین نویسندگانی که در این زمینه کار کرده احمد رفیق است که در کتاب خود به نام ترک معمار لری به معماران دربار عثمانی پرداخته است. مجموعه دیگری از مطالعات مهم درباره معماران دربار عثمانی مطالبی است که مظفر اردوگان منتشر کرده است. شهاب‌الدین اکلین و سماوی اییچ هم مطالعاتی را درباره بعضی معماران عثمانی منتشر کرده‌اند. کسان دیگری مثل کنیالی، عبدالله کوران و ارنست اگلی هم در خصوص معروفترین معمار دربار عثمانی یعنی سنان نوشته‌اند، اما علی‌رغم همه این تلاشها هنوز اطلاعات ما از فعالیتها و حیات معماران بزرگ دربار عثمانی بسیار مبهم و اندک است. این مشکل بیشتر ناشی از کیفیت منابعی است که مرجع مورخان بوده است. این منابع نادر، غالباً مختصر و معلق و اکثراً فاقد اطلاعات مناسبی برای پژوهندگان است.

یکی از مبسوط‌ترین و مفصلترین منابعی که به معمار خاصی اختصاص دارد رساله معماریه است که بوسیله جعفر افندی نوشته شده است: مکتوبی درباره زندگی و آثار محمدآغا معمار دربار عثمانی و سازنده مجموعه سلطان احمد در استانبول، که نه تنها اطلاعات خاصی در باب زندگی و فعالیتهای وی بدست می‌دهد و به عرضه مطالبی درباره ویژگیهای کلی زندگی یکی از برجسته‌ترین معماران دربار عثمانی می‌پردازد، بلکه از زبان اصطلاحات معماری و حرفه ساختمان و موسیقی

آنچه از معماری دوره اسلامی در دست است عموماً بناهایی است که تعداد آنها در قیاس با آنچه در طول تاریخ ساخته شده بسیار اندک است.

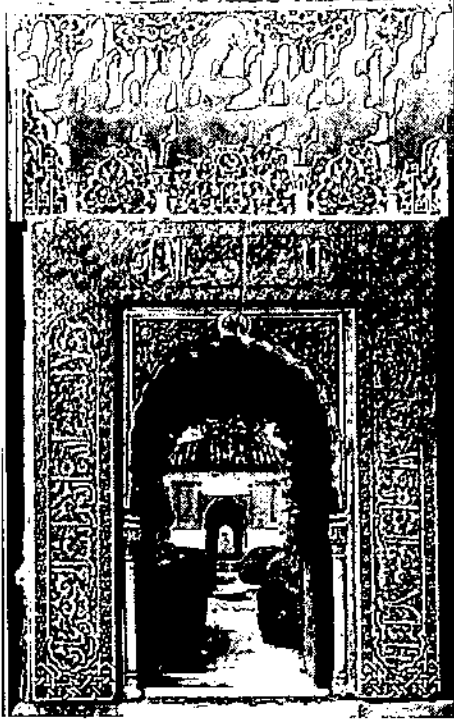
وجود کتاب یا کتابهایی از آن زمان که به این معماری پرداخته باشند اعم از اینکه درباره بناها باشند و یا درباره سازندگان آنها بسیار کمتر و در حکم کیمیاست. آنچه درباره معماری این دوره نوشته شده عمدتاً مربوط به قرن اخیر و بعضاً در تواریخ و یا سفرنامه‌هایی است که غربیان از دیدارشان از سرزمینهای اسلامی نوشته‌اند. و این در حالی است که به قول ال. ای. مایر یکی از محققین غربی معماری اسلامی: «یکی از برجسته‌ترین وجوه تمدن اسلامی مربوط به معمارانی است که بناهای این معماری را ساخته‌اند.»

معمار مسلمان به گواهی بناهای موجود اصراری در ذکر نام و امضای خود نداشته و از آنجا که در طبقه اعیان یا عالمان نبوده در تواریخ و تذکره‌ها و تراجم نیز کمتر ذکری از او رفته است و اگر نامی هم از او برده‌اند در کنار نام سلطان و وزیر یا بنایی است که ساخته بوده‌اند، لذا نام و لقب اقسام صاحب‌منصبان حکومتی که به احداث ابنیه همت گماشته‌اند غالباً در تواریخ ثبت و ضبط شده است ولی معماران حقیقی ابنیه تقریباً در محاق ابهام و گمنامی افتاده‌اند.

آشنایی با فعالیتهای معماران دوره اسلامی در حد نام و احیاناً چند بنایی که ساخته‌اند محدود می‌شود و بندرت به اطلاعاتی درباره زندگی یا آثار آنان می‌توان دست یافت و اگر هم در جایی این اطلاعات باشد بصورت پراکنده و در منابع متعدد و متفرق است.

این اطلاعات درباره معماران دوره اسلامی ایران هنوز جمع‌آوری و یا منتشر نشده است و از این جهت این معماران ناشناخته‌اند ولی درباره معماران عثمانی اطلاعات بیشتری در دست است، بویژه آنچه در این باره در غرب یا دیگر کشورهای اسلامی صورت گرفته عمدتاً درباره معماران مسلمان دربار عثمانی است که بعضاً مبتنی بر منابع مکتوب - یعنی تواریخ، سفرنامه‌ها،





احضارکنندگان قضات اربعه استانبول شد.

فصل سوم

در این فصل بگوییم که حضرت آغا، پیش از انتصاب به منصب ناظر آب و سرمعمار، به کدام جایها در ولایات عربستان و آناتولی و روم و قرون سفر کرد. و بیان کنیم که چگونه در سمت نایب وزیر در بعضی ولایات با عدل و داد حکم راند و با لشکری اندک بر هزاران عاصی عرب، که راه کاروانهای حاجیان می‌بردند، ظفر یافت، و طریق کاروانهای کعبه مکرمه پاک و ایمن ساخت.

فصل چهارم

در بیان لطف و کرم و احسان و نعم آغای مشارالیه است.

فصل پنجم

در این فصل بیان کنیم که بستهای پولادین کعبه مکرمه را چگونه سراپا با زر و سیم آندودند، و نودان طلا برخانه کعبه نهادند، و منبر مقام ابراهیم خلیل الرحمن - علیه السلام - را، و قفلهای زرناب را برای روضه مطهر [پیامبر] ساختند. و هم پیدا کنیم که [آغا] چند جامع شریف و چند مسجد لطیف و چند مدرسه و چند گرمابه و چند سرای و چند کوشک، و چند پل و چند چشمه، و باری چند بنای خیر ساخته است.

فصل ششم

در بیان این است که بنای مسجد جامع حضرت پادشاه عالم‌ینا، در آن میدانی شهر محمیة استانبول - به یاری خدای تعالی - قریباً به آخر رسد، و اینکه حضرت آغا - به عنایت خدای تعالی - روی هم خود بدین بنای شریف داشته است، و تمام همتی را که مقدور بشر است در آن صرف می‌دارد، و اکنون چگونه در آن اقدام و اهتمام می‌ورزد.

فصل هفتم

در این فصل پیدا کنیم که ذراع بنایان و ذراع عامه هر یک چند پرمق است و پرمق را به چه اعتبار وضع کرده‌اند، و از چه روی ذراع بنایان سی و چهار پرمق و ذراع عامه یکصد پرمق است، که سی و دو گره باشد.

فصل هشتم

ایق و اوق آتمی و میل و فرسنگ و برید و قارش و درسک و قولاچ را بگوییم که چیست و چیزهای پیوسته بدانها کدام است و نامهای آنها در سه زبان عربی و فارسی و ترکی بگوییم.

فصل نهم

احوال دوتوم و چیق و نشان را در زبانهای عربی و فارسی و ترکی بیان کنیم.

فصل دهم

دوتوم و چیق و نشان را به مقتضای علم هندسه به تفصیل بیان کنیم، و نیز سه وجه تعریف دوتوم و سبب وضع آن بدین سه وجه پیدا کنیم و بگوییم که در هر یک از سه وجه برابر چند ذراع بنایان است.

فصل یازدهم

در بیان سرای و خانه و حجره و صغه و دهلیز و سقف و تکیه و خانقاه و کاربانسرای، و چیزهای پیوسته بدانها در زبان عربی و زبان فارسی و زبان ترکی است، و اینکه کدام عربی و کدام یک فارسی و کدام یک ترکی است.

فصل دوازدهم

در بیان این است که در سه زبان عربی و فارسی و ترکی، کاراسته‌های بنا را چه گویند.

فصل سیزدهم

همچنان است، در بیان نامهای افزارها و آلت‌های سنگتراشان و درودگران در سه زبان مذکور.

نیز اطلاعات مفیدی در اختیار می‌گذارد. اگر از تذکره‌های معدودی که به معمارستان پرداخته‌اند بگذریم رساله معماریه تنها مکتوب مدونی است که درباره زندگانی یکی از معماران دربار عثمانی در دست است.

اهمیت این رساله در درجه نخست بابت قدمت و نویسنده آن که خود شاگرد مستقیم محمدآغا بوده، می‌باشد.

مطالب این رساله را بسیاری از محققان عیناً و یا با تلخیص در آثار خود آورده و از آن بسیار استفاده کرده‌اند. نسخه خطی رساله به خط عربی و به زبان ترکی است که در کتابخانه موزه کاخ توپکاپی مضبوط است. این نسخه کتابی است باریک و مستطیل شکل به ابعاد ۱۵۰×۴۱۵ میلی‌متر متشکل از ۸۷ برگ کاغذ کرم رنگ که جلدی چرمی دارد و با مرکب مشکی نوشته شده است. فصول آن عنوان دارد و در حواشی آن یادداشتهایی نوشته است. آیات و احادیث متن رساله را با رنگ قرمز نوشته‌اند. هر صفحه ۲۵ سطر یا خط نستعلیق دارد که بعضی کلمات آن دارای اعراب است.

رساله معماریه از زمره کتبی است که در فرهنگ اسلامی به آنها تذکره می‌گویند. گرچه این رساله صرفاً تذکره نیست بلکه می‌توان بخش عمده‌ای از آن را مقاله‌ای در باب هندسه تلقی کرد، دست‌کم آن جنبه از هندسه که به مساحی مربوط می‌شود، همچنین فرهنگ لغات و اصطلاحاتی به سه زبان عربی و فارسی و ترکی. جعفر افندی نویسنده رساله می‌گوید این رساله حاصل انس طویل‌المدتی با محمدآغاست: «چون از دیرباز با ایشان مانوس بوده‌ایم، هرگاه موضوعی در علم هندسه بیان می‌کرد این بنده کمینه آن را به تمام و کمال ثبت می‌کرد، و بر همین اساس رساله‌ای در علم هندسه تحریر و تصنیف کرد.»

رساله معماریه مشتمل است بر دیباچه‌ای دقیق که مندرجات رساله را معرفی می‌کند و حاوی فهرستی از فصول و اشعار است. برای آشنایی با نحوه نگارش رساله و نیز معرفی فصول پانزده‌گانه کتاب، این بخش از دیباچه رساله را عیناً نقل می‌کنیم:

فصل اول

در این فصل بگوییم که حضرت آغا چگونه در کسوت نوسپاهی از روم ایلی [به استانبول] آمد، در [خدمت] باغهای سلطانی داخل شد، میل به صنعتی یافت، درباره آن صنعت، که بدان دل بسته بود، رؤیایی دیده برای تعبیر رؤیا نزدیک بزرگی رفت، آن بزرگ آغا را از دل بستن بدان صنعت بازداشت و آنگاه حضرت آغا به آموختن صدقکاری و معماری مصمم شد، و با دستوری و دعای خیر آن بزرگ، در کار صدقکاری و معماری مهارت یافت. و هم پیدا کنیم که آن نخست سنگ خانه خدا نهاد که بود، و پیر سنگتراشان و پیر درودگران چه کسان بوده‌اند.

فصل دوم

در این فصل به تفصیل بگوییم که حضرت آغا چگونه با آموختن صدقکاری و معماری، در صنعت خود ماهر و حاذق شد و در عوض تحفه‌ها که ساخت، معرض لطف پادشاه و وزیرانش واقع شد، و بگوییم که چگونه مرحوم مغفور حضرت سلطان مراد خان، به عوض آثار لطیف آغا، وی را به منصب حاجب دربار مشرف کرد و بیان کنیم که چگونه با خط همایون سعادت مقرون، رئیس

فصل چهاردهم

بیان کنیم که جمله افزارها و ادوات همه اهل پیشه‌ها، حتی آلات مطربان را بر طبق قواعد علم هندسه ساخته‌اند و بعضی آنها را به تقلید از افزارهای سنگتراشان و درودگران پرداخته‌اند.

فصل پانزدهم

در دعای خیر است و حق را که خجسته‌تر و سودمندتر از جمله فصول است.

در سرتاسر متن منثور کتاب، قطعات منظوم، از قطعه و غزل و قصیده پراکنده است.

این کتاب در سال ۱۰۲۳ هـ (همزمان با سلطنت شاه عباس صفوی در ایران) به ترکی عثمانی نگاشته شده، در سال ۱۹۸۴ م. هاوارد کرین آن را از ترکی به انگلیسی ترجمه کرده، و مهرداد قیومی بیدهندی در سال ۱۳۷۶ شمسی آن را از انگلیسی به فارسی برگردانده است.

از ویژگیهای ترجمه فارسی کتاب، مقابله ترجمه انگلیسی و فارسی با متن ترکی این رساله (میکروفیلم نسخه خطی کتاب) است که بر دقت ترجمه و یافتن معادلهای مناسب و مانوس برای فارسی‌زبانان افزوده است. همچنین مترجم کوشیده است به تناسب زمان نگارش رساله، ترجمه نیز رنگ و بوی نثر قدیم فارسی داشته باشد و این بستری مناسب برای قرائت کتاب در قالب فرهنگی که از آن برخاسته فراهم ساخته است.

ویژگی دیگر این کتاب ضمایمی است که به کار مترجمان و پژوهش‌گران می‌آید: اول، جدول مقیاسها و واحدهای سنجش ذکر شده در رساله به چهار زبان ترکی، فارسی، عربی و انگلیسی؛ و دوم کتابنامه مربوط به پژوهش‌گران و نویسندگانی که در مورد معماری و معماران عثمانی (و دوره اسلامی) سخن گفته‌اند و در مقدمه مبسوط و محققانه مترجم انگلیسی یا حواشی کتاب ذکر می‌شود. از آنها به میان آمده است. از کاستیهای کتاب می‌توان به فقدان فهرست اعلام و فقدان متن اشعار ترکی اشاره کرد، که امید است در چاپهای بعد به رفع آن اقدام شود.

(با استفاده از مقدمه ترجمه کتاب نوشته هاوارد کرین مترجم انگلیسی و نیز مقاله معرفی رساله در نشریه رواق شماره اول) □